

# صدای انسانیت از درون زندانها

اطلاعیه شماره ۱۳۲ کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۳۴

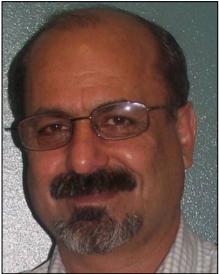
جمعه ۱۵ آذر ۱۳۹۲، ۶ دسامبر ۲۰۱۳



## درباره منشور روحانی!

مصطفی صابر

صفحه ۲



## درسی مهم از انقلاب مصر!

انقلابی که در اپوزیسیون بماند شکست میخورد!

محسن ابراهیمی

صفحه ۳

## کارگران پتروشیمی ها پرچم ۲ میلیون تومان دستمزد را برافراشتند

صفحه

## قصاص و قرآنتان، هر دو را باید به زباله دان انداخت!

مینا احدی

صفحه ۵

## آلودگی هوا در ایران از انسان و محیط زیست قربانی می گیرد!

حسن صالحی

صفحه ۴

## از میان پیامها، به مناسبت سالگرد تشکیل حزب

امید از ایران

ترانه شادی از ایران

صفحه ۶

## "نزدیک شو، اگر چه حضورت ممنوع است"

کانون نویسندگان ایران

صفحه ۱۲



سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## درباره منشور روحانی!

مصطفی صابر

شما "حق حیات" دارید مگر آنکه دادگاه خلاف آن رای دهد و البته دولت هم شما را دار بزند! شما "حق انتخاب پوشش" دارید بشرط اینکه با موازین "اسلامی و ایرانی" مطابق باشد! شما آزادی بیان به هر شکل و شیوه که دلتان می‌خواهد دارید بشرط اینکه مطابق "قانون" جمهوری اسلامی باشد! ...

این فکاهیات را بابت مزاح نیاوردم. نمونه‌هایی از "منشور حقوق شهروندی" است که حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی در گزارش صدمین روز تشکیل دولتش با آب و تاب از انتشار پیش نویس آن سخن راند. صد روزی که البته بیش از هر دوره دیگر جمهوری اسلامی در آن اعدام صورت گرفته است!

از این کنتراست عمل با بیانیه جناب هرچند که گویاست اگر بگذریم، از لحاظ حقوقی و مضمونی این "منشور حقوق شهروندان" یک جوک غریب است که فقط در جمهوری اسلامی ممکن است. چرا که در این سند "شهروند" عبارت از بنده خدا و اسیر حکومت جمهوری اسلامی است که در عین حال کوشش می‌شود تا محرومیت و بی حقوقی وی در عرصه‌های مختلف لاپوشانی شود و حداکثر با عبارات شبه "حقوق بشری" زینت داده شود. نتیجه کار، که نمونه‌هایی را ذکر کردیم، چنان مضحک و متناقض است که حتی مدافعین روحانی هم سرشان را می‌خارند که چگونه آنرا توجیه کنند.

مدافعین رند دولت روحانی می‌گویند "حرفهای خوبی در این منشور زده شده ولی (با افسوس سر تکان می‌دهند) ضمانت اجرایی ندارد!" این حضرات با این نقد و تفسیرشان حتی از خود صاحب منشور هم بامزه ترند. چرا که میکوشند بر این واقعیت

خاک پاشند که آنچه در ایران امروز اجرا می‌شود و البته با قدری "ترمش قهرمانانه"، اتفاقاً همانا "منشور حقوق شهروندی" جناب روحانی است. منشوری که بر پایه قانون اساسی سراسر تبعیض جمهوری اسلامی، اصل ولایت فقیه، قوانین دست بردن و چشم درآوردن قصاص اسلامی، قانون تعدد زوجات و دیگر قوانین ضد زن و ضد بشر اسلامی تهیه و تدوین شده است. یعنی منشور حاکمیت اعدام، حجاب، اختناق، تبعیض، فقر، نابرابری و از این قبیل "حقوق شهروندی"!

رادیکالترهای صف "اعتدال و تدبیر" البته نگران و حتی بدرجه ای شرمگینند و به بقیه هشدار میدهند که این منشور را اصلاً "نادیده بگیرید". اینها که در امپاس حقوق بشر قرار گرفته اند حتی برخی جنبه‌های پوچ و مسخره منشور را هم بدرست نشان میدهند. اینها متوجه هستند مردم لااقل "جامعه مدنی" دوره خاتمی را یادشان هست و قرار نیست از یک سوراخ دوبار گزیده شوند. بعلاوه آنها میدانند که بعد از اینهمه انقلابات و تحولات در دنیا (و از جمله تجارب سال ۸۸) مردم انتظاراتشان و تجارشان بالاتر هم رفته است. لذا سعی میکنند به روحانی و باقی خط بدهند که بجای این منشور نویسی متناقض و مسخره برونند و مثلاً اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری که جمهوری اسلامی امضاء کرده را پیگیری کنند! بعبارت دیگر اینها هم در صورت ظاهر مساله منشور کذایی روحانی، یعنی ارائه یک جمهوری اسلامی حقوق بشری، شریکند و آنرا "اصلاً کنار نگذاشته" اند! تنها چیزی که متوجه شده اند اینست که این منشور مایه سرشکستگی و آبروریزی است و قادر نیست شیبه حقوق بشری به

سر کسی بمالد. ولی کنوانسیون بین‌المللی امضاء شده ممکن است چنین خاصیتی داشته باشد! اما در دنیای واقعی "منشور حقوق شهروندی" حسن روحانی نه ربطی به حقوق شهروندی دارد و نه حتی ربطی به قوانین و معاهدات و مقولات "حقوق بشری". حکمت آن از جای دیگر می‌آید. خود شیخ دیپلمات بهتر از هرکسی میداند که مجموعه‌ای از قوانین جاری جمهوری اسلامی را در یک انبان ریخته، در آن را گره زده اما و یک اسم شیک و حقوق بشری بر این کیسه ارتجاع نوشته است. تنها چیزی که در این منشور حقوق بشری است همان اسم آن است، والسلام! این بماند که ایده‌ها و آرمانهای حقوق بشری و لیبرالی، نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و غیره در اساس پر از تبعیض و جاودانی کردن حق مالکیت و بردگی مزدی است، اما حتی همان اسم حقوق بشری

هم از سر جمهوری اسلامی زیاد است. هنر بزرگ شیخ کلید دار در این است که با این منشور مسخره بتواند این بحث را در بی بی سی و امثالهم دامن بزند که این جمهوری اسلامی (یعنی همین حاکمیت جنایت و اسلام و اعدام و تبعیض و بی حقوقی) حالا "حقوق بشری" هست یا نه! خوب ما که دیگر نمی‌توانیم کاسه داغ‌تر از آش باشیم. اگر حقوق بشر همین است و متولی اش در نهایت آیت الله منتظری است، چنانچه این طیف و بی بی سی و برندگان جایزه صلح نوبلشان هرازگاهی تکرار میکنند، مبارک شان!

اما حکمت دوم در انتشار "منشور حقوق شهروندی" شاید حتی بیش از اولی مورد نظر مبتکران این منشور بوده است. ولی بازهم ربطی به حقوق شهروندی ندارد. و آن اینست: انتشار این منشور نوعی دیالوگ و مقابله با جناح مخالف روحانی در حکومت اسلامی است. در این رابطه حرفهای رفسنجانی که از این منشور حمایت کرده جالب توجه و کاشف اسرار این جنگ ارتجاع یعنی همان منشور کذایی است. او ضمن حمایت از منشور روحانی بر این تاکید کرده که باید

"قانون اساسی (جمهوری اسلامی) رعایت شود"، "کسی شنود نشود"، "به مردم تهمت نزنند"، "در نان کسی شیشه خرده ریخته نشود" و غیره. کم مانده جناب بگوید "کسی را ممنوع المنبر نکنند" و امثالهم! بعبارت دیگر "منشور حقوق شهروندی" عبارت از گله گذاری‌های رفسنجانی و دستجات مغلوب در جمهوری اسلامی از "بی قانونی" جناح مقابل و محروم کردن "شهروندان" جناح رفسنجانی و اصلاح اصلاح طلب از حق آب و گلشان در جمهوری اسلامی است! بگذارید اینجا راجع به حقوق شهروندی حرفی نزنم، کسی که علاقمند است به برنامه ما (یک مفصل و با جزئیات در باره حقوق مسلم مردم در همه عرصه‌های زندگی دارد. اما نمی‌شود یک حقیقت ساده را متذکر نشد. اولین گام در تحقق حقوق شهروندی در ایران بی تردید سرنگون کردن حکومت مذهبی و زن ستیز جمهوری اسلامی با تمامی جناح‌ها و دستجات آن و برقراری قدرت بلاواسطه خود شهروندان در همه جا و بر همه لحظات زندگی است.\* (۴ دسامبر ۲۰۱۳)

### مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ - پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ - FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

## درسی مهم از انقلاب مصر! انقلابی که در اپوزیسیون بماند شکست میخورد!

محسن ابراهیمی

مورسی و اعتراض سیاسی شان علیه دولت اخوان المسلمین سرکار آمده بود، حتی دیگر به عنوان نیرو محسوب نمی‌شوند! این اظهارات حقیقت تلخی از انقلاب مصر را بیان میکنند: آن نیروی سیاسی که علیرغم ابعاد توده ای اش هنوز نمیتواند قدرت سیاسی را بدست بگیرد از طرف ضد انقلاب حتی به عنوان یک نیروی سیاسی جدی گرفته نمیشود.

کارگران و همه اقشار محروم و جوانان مصر (که اکثرا جزو ارتش ذخیره بیکاران هستند)، نقش برجسته ای در مصاف با قدرت سیاسی حاکم و سرنگونی تجسم سیاسی اش یعنی مبارک و بعدا مورسی داشتند. به یمن همین سطح پیشروی به درجات زیادی متشکل شده اند و هنوز هم مبارزاتشان برای نان و آزادی و حرمت انسانی را در ابعاد وسیعی پیش می‌برند. اما انقلاب مصر فقط در سطح نفی چهره های سیاسی نظم حاکم پیش رفت. به ارکان اصلی قدرت سیاسی حاکم، از جمله نهادها و سازمانهای سرکوب و امنیتی و رسانه ای دست برد اما نتوانست درهم بشکند و نهایتا به مقام قدرت سیاسی حاکم ارتقا نیافت تا خواستهای انقلاب را با اتکا به قدرت خودش مستقر کند. انقلاب مصر هنوز هم در اپوزیسیون است. انقلابی که در اپوزیسیون بماند شکست میخورد. به

از اینکه مردمی که مبارک را ساقط کرده اند اگرچه خود در عرصه قدرت سیاسی نمایندگی نمیشوند اما هنوز در فضای انقلابی و آرزوی پیشروی و پیروزی بسر می‌برند. مورسی به خاطر این حماقت سیاسی خیلی سریع با توده ای ترین تظاهرات تاریخ بزیار کشیده شد. رسانه های رسمی در غرب، تعداد تظاهر کنندگان علیه دولت اخوان المسلمین را ۲۳ میلیون تخمین زدند. مردم مورسی را با یک تکان سیاسی بزرگ به کنار مبارک فرستادند. غول انقلاب باز هم به مصاف قدرت سیاسی رفت اما باز هم خود در قدرت سیاسی نمایندگی نشد. میوه آویزان قدرت سیاسی را این بار ارتش مبارک و نمایندگان رسمی نظم سابق در هوا قاپیدند. خلاء قدرت سیاسی با کودتای

سرنوشت انقلاب را از همان اول در همه مقاطع میشد بوضوح دید. وقتی مبارک سقوط کرد، در میان شور و هیجان پیروزی اولیه، اخوان المسلمین - دزد مشهور انقلاب - به قدرت سیاسی عروج کرد. این نقل و انتقال قدرت از مجرای یک نمایش انتخاباتی انجام شد. نمایشی که در آن نیروهای واقعی انقلاب یعنی کارگران و جوانان تا آنجا که به قدرت سیاسی مربوط است به حاشیه

عین کشمشکش باهمدیگر در صف مقابل انقلاب قرار دارند. نیروهایی که در صددند گام به گام اوضاع را به وضع سابق بازگردانند. چرا این چنین است؟ انقلاب مصر مشخصات همه انقلابات بزرگ تاریخ را دارد. یکی از توده ای ترین انقلابات چند قرن گذشته است. خواست روشنی دارد. علیه نظم طبقاتی حاکم است. به درجات زیادی نشان داده است که به نیروهای ضدانقلاب توهم ندارد.

آخرین خبرها از مصر حاکی از این است که تعدادی از فعالین سکولار و چپ به همراه احمد ماهر، یکی از رهبران محبوب جنبش ۶ آوریل به جرم نقض "قانون ضد تظاهرات" و سازماندهی تظاهراتی که اجازه دولت را نداشت دستگیر شده اند. این اولین بار نیست که فعالین کارگری و اکتیویستهای چپ و سکولار توسط همان نیروهایی که علیه شان به پا خاسته اند مورد سرکوب قرار میگیرند. اما دستگیری اکتیویستهای چپ و سکولار به همراه احمد ماهر، از رهبران شناخته شده جنبش ۶ آوریل (جنبشی که در حمایت از اعتصاب بزرگ کارگران شکل گرفت و در تحریک انقلابی مصر نقش مهمی داشت)، آنهم درست در لحظه ای که پیش نویس قانون اساسی توسط دولت ژنرالها اعلام شده است و ظاهرا کشمشکش ارتش و اخوان المسلمین دارد به فرجام میرسد حاکی از چیست؟



دولت ژنرال السیسی دارد شمیرهایش را علیه نیروهای چپ و سکولار از رو می بندد. این البته اصلا شگفت آور نیست. دولت نظامیان سابق همان کاری را میکنند که به خاطرش قدرت را قبضه کرده است: به پایان رساندن وظیفه و نقشی که دولت اخوان المسلمین از عهده اش برنیامد. پایان دادن به هر چیزی که رنگ و بویی از انقلاب مصر دارد.

انقلاب مصر بعد از یک فراز بلند سیاسی در همان آغازش که سقوط مبارک نقطه اوجش بود فراز و نشیبهای متعددی داشته است اما هر چه زمان گذشته است بیشتر میدان را به نیروهایی باخته است که در

سیاسی پر شد. ژنرال السیسی روی دوش همان ۲۳ میلیون نفر پرید و رئیس جمهور منفور را که عملا توسط توده های مردم ساقط شده بود رسماً خلع کرد. بخشی از ضد انقلاب رفت و جایش را به بخش دیگرش داد. دزدی رفت و جایش را به دزد دیگر داد. ژنرال مبارک، وزیر دفاع مورسی در نقش ناجی ظاهر شد.

السیسی گفته بود که امروز در مصر دیگر فقط دو نیروی سیاسی هستند که باهم در کشمکش هستند: ارتش و اخوان المسلمین! آن نیروی عظیمی که این ژنرال روی امواج نفرتشان از

رانده شدند و عملا نظاره گر منفعل رقابت دو نیرویی شدند که برای شکست کاملشان باهم رقابت می‌کردند: اخوان المسلمین و ارتش. بخشهایی از نیروهای انقلاب حتی خوشحال بودند که حداقل نیروهای رسمی نظم سابق یعنی ارتش و کاندیدایش به قدرت باز نگشته اند. (جریاناتی مثل جنبش ۶ آوریل در این بازی انتخاباتی به بازیچه سیاسی "بد" در مقابل

بیشتر دوام نیآورد. رئیس جمهورش احماقانه سعی کرد نقش مبارک را بازی کند غافل

رفاه و آزادی و حرمت انسانی را بر پرچم خود نوشته است. اما در کنار اینها و در مقابلشان، فاقد آن اهرم سیاسی قدرتمندی است که میتواند به قله پیروزی پرتابش کند: در عرصه قدرت سیاسی - یعنی اولین و محوری ترین مساله هر انقلابی - ایدا نمایندگی نمیشود. و دقیقا به همین خاطر آن نیروهایی که به عنوان بازیگر اصلی یکی شکوهمندترین خیزشهای آزادیخواهانه جهان معاصر ظاهر شدند، وقتی پای قدرت سیاسی به میان آمد در بهترین حالت منفعل شدند.

# آلودگی هوا در ایران از انسان و محیط زیست قربانی می‌گیرد!

حسن صالحی



می‌پردازند. این حکم بطور قطع در مورد ایران نیز صادق است اما هنوز همه واقعیات مربوط به مورد مشخص ما یعنی آلودگی هوای ایران را توضیح نمی‌دهد. چرا که در برخی از کشورهای سرمایه‌داری میزان آلودگی هوا به اندازه ایران نیست و بنا به دلایل گوناگونی منجمله وجود مدافعان سرسخت محیط زیست و سطح انتظارات و حساسیت شهروندان وضعیت به گونه نسبتاً بهتری است.

یک مسئله اصلی در مورد ایران وجود حکومت اسلامی است که در آن نه جان انسان ارزش دارد و نه محیط زیست. در ایران متأسفانه آمار درست و دقیقی در باره میزان آلودگی هوا و نتایج و تاثیرات آن وجود ندارد. از قوانین لازم و برنامه‌های کارآمد برای پاسداری از محیط زیست و بهینه‌سازی آن خبری نیست. زمانی که مسئله آلودگی هوا به شدت بحرانی می‌شود مسئولین حکومت تنها به صرفات این می‌افزیند که مثلاً مدارس و کارخانجات را تعطیل کنند و از مردم بخواهند که از خانه خارج نشوند. چنین تمهیداتی به نظر من نشانه اوج بی‌مسئولیتی حاکمان اسلامی در چاره‌جویی اساسی برای آلودگی هواست. اما مسئله به همینجا ختم نمی‌شود. جمهوری اسلامی با همه اقدام و جوارحش بطور سیستماتیک در جهت تخریب محیط زیست عمل کرده است و با رویکردی که این رژیم دارد باعث آلودگی بیشترها و یا دیگر فجایع زیست محیطی در ایران شده است. بدین جهت به نظر من مسئول مستقیم این وضع حکومت اسلامی است. اجازه

بدهید اینجا به چند نمونه از شاهکارهای ضد محیط زیستی در طی حاکمیت جمهوری اسلامی اشاره کنم.

## سم افزایی به بنزین

همه می‌دانند که ایران با وجود ۹ پالایشگاه در کشور تنها می‌تواند بخش کوچکی از بنزین مورد نیاز خود را تأمین کند. بر اساس آمارهای رسمی، هزینه

های جسمی و تمرین‌های ورزشی می‌شود، دردهای پی‌در پی در قفسه سینه و سرفه‌های مداوم از دیگر علائم تاثیر گاز اوزون است. در فصل تابستان و در هوای آلوده به اوزون تروپوسفری، کودکان و سالمندان نسبت به سایر افراد بیشتر در معرض ابتلاء به علائم فوق می‌باشند و این تنها جلوه‌ای از تاثیرات زیانبار و خطرناک آلودگی هوا برای انسانهاست.

## دلایل

معمولاً در بررسی آلودگی هوا به دو متهم اصلی یعنی وسایل نقلیه موتوری و کارخانجات اشاره می‌شود. چرا که هر دوی اینها تولیدکننده موادی همچون مونوکسید کربن، دی‌اکسید گوگرد، هیدروکربن‌های سوخته نشده و ترکیبات سربی هستند که باعث آلودگی هوا می‌شوند. پر واضح است که نه وسایل نقلیه موتوری و نه صنایع به خودی خود و بدون دخالت انسانی نمی‌توانند باعث آلودگی هوا شوند. هنگامی که استفاده از وسایل نقلیه موتوری و یا نحوه کار کارخانجات با استانداردهای زیست محیطی همخوانی ندارد، به عبارت دیگر با نیازهای محیط زیست منطبق نشده باشد، ما شاهد بالا رفتن جهشی میزان آلودگی هوا هستیم.

در یک نگاه کلی به جهان امروز باید اذعان کرد که نظام سرمایه‌داری و اصل اصالت سود است که کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران‌ناپذیری روبرو ساخته است. این بدان معناست که سرمایه‌داران به دنبال سود بیشتر بیرحمانه از طبیعت و محیط زیست بهره‌برداری کرده و آن را به نابودی می‌کشند و در بهترین حالت کمترین هزینه را برای حفظ محیط زیست

عظیم گازهای آلاینده‌ای که از آگروز موتورسیکلت‌ها، خودروها، هواپیماهای جت و غیره متساعد می‌شود یکی دیگر از عوامل مهم آلودگی هواست. کفایت که به یکی از این آلاینده‌ها و تاثیرات آن بر بدن انسان نگاهی بیندازیم تا تصویر روشن‌تری از نتایج خطرناک و کشنده آلودگی هوا داشته باشیم. نام این آلاینده اوزون تروپوسفری است که گاهی هم "اوزون بد" نامیده می‌شود.

این اوزونی است که در پائین‌ترین لایه جو زمین که به آن تروپوسفر می‌گویند تولید می‌شود. برخلاف اوزونی که دور کره زمین را فراگرفته و ما را از تابش‌های شدید و خطرناک خورشیدی درامان نگه می‌دارد، اوزون تروپوسفری با توجه به اینکه در سطح بسیار پائینتری قرار دارد بالای جان انسان می‌شود. این یک آلاینده‌ی انسانی است که در نتیجه عملکرد موتورهای درونسوز با سوخت بنزین و همچنین نیروگاههایی که با سوخت ذغال سنگ کار می‌کنند، تشکیل می‌شود. هنگامی که اوزون را استنشاق می‌کنیم، این گاز وارد مجاری تنفسی شده و از آنجا که مانند اسید بسیار خورنده است، می‌تواند به نایچه‌ها، نایچه‌ها و کیسه‌های هوا در ریه‌ها که وسیله تبادل اکسیژن و گاز کربنیک هستند، آسیب وارد کند. مداوماً در معرض گاز اوزون قرار داشتن می‌تواند موجب التهاب بافت ریه‌ها و عفونت دستگاه تنفسی شود. از سوی دیگر وضع بیماران تنفسی که مبتلا به عارضه‌هایی نظیر آسم هستند وخیم‌تر می‌شود. استنشاق این گاز منجر به کاهش عملکرد شش‌ها و پایین آمدن سطح تحمل آنها در برابر فعالیت

پاسخگویی به آنها به اندازه دیگر مسائل اجتماعی و اقتصادی نظیر فقر و بیکاری اهمیت دارد و لازم است که جواب درخور خود را بگیرد.

## یک تصویر عمومی

حق برخورداری از هوای سالم و پاک حق همه انسانهای ساکن کره ارض است. ولی متأسفانه برخورداری از این حق با توجه به ابعاد فاجعه‌آمیز آلودگی هوا هر چه بیشتر از دسترس توده انسانها دور شده است. مهمترین منابع آلودگی هوا حمل و نقل، نیروگاههای حرارتی و فعالیت‌های صنعتی شمرده می‌شود. مصرف سوخت‌های فسیلی نظیر ذغال سنگ و نفت انواع و اقسام مواد سمی را در هوا منتشر می‌کند که برای انسان و طبیعت بسیار مضر است. آلودگی صنعتی که یکی از منابع اصلی آلودگی هوا به شمار می‌رود اکنون نه فقط از مجرای دودکش کارخانجات بلکه در اشکال متنوع‌تر و بسیار خطرناکتر علیه جامعه انسانی و محیط زیست عمل می‌کند. صنایعی که در جریان تولید از احتراق سوخت به طور منظم استفاده می‌کنند گازهای سمی گوناگونی را تولید میکنند که در اتمسفری که ما تنفس می‌کنیم رها می‌شود. این گازهای سمی در محیط جغرافیایی بسیار وسیعی پراکنده می‌شوند و یکبار دیگر با اتمسفر ترکیب می‌شوند. سپس گازهای آلوده با چگالی بالا به زمین برمی‌گردند. باران اسیدی در جنگلهای کشورهای در حال توسعه یا آلودگی‌هایی که در یخهای قطب شمال یافت شده نشان می‌دهند که آلودگیهای صنعتی از محل اصلی تولیدشان در یک کشور دیگر حرکت کرده‌اند. حجم

آلودگی هوا بویژه در تهران، اهواز، سنندج و کرمانشاه به اندازه کافی هشدار دهنده و فاجعه‌آمیز است. به گفته سازمان بهداشت جهانی اهواز برای دومین بار به عنوان آلوده‌ترین شهر جهان شناخته شده است. سنندج و کرمانشاه هم در میان آلوده‌ترین ۱۰ شهر دنیا قرار دارند. در تهران اوضاع بحدی جدیست که مقامات حکومت بارها اقدام به تعطیلی مدارس، مراکز کار و صنایع و کارخانجات کرده‌اند و از مردم خواسته‌اند برای حفظ سلامت خود از خانه‌ها خارج نشوند. بنا به گزارش سایت تابناک در دیمه سال ۱۳۹۱ ساکنان پایتخت در ۱۰ سال گذشته تنها ۲۰۰ روز از هوای پاک برخوردار بوده‌اند و مابقی روزها را در هوای ناسالم و یا در شرایط هشدار سپری کرده‌اند. در دی‌ماه سال پیش مشاور وزیر بهداشت حکومت اسلامی اعلام کرد که در طی یک سال، ۴۶۰ نفر بر اثر آلودگی هوای تهران جان باخته‌اند. یعنی هر روز حدود ۱۲ نفر به دلیل هوای آلوده جان خود را از دست داده‌اند. تازه این سواهی انواع و اقسام بیماریهای تنفسی، پوستی، قلبی و غیره است که شهروندان بدان دچار می‌شوند و بر سلامت و زندگی آنها تاثیر پایدار خواهد گذاشت. نتایج هولناک آلودگی هوا فقط متوجه انسانها نیست بلکه درختان، جنگلها و غلات نیز از آلودگی هوا آسیب می‌بینند و گونه‌های مختلف حیات در خطر نابودی قرار می‌گیرند.

سؤال اینجاست که در مقابل این وضع هشدار دهنده چه باید کرد؟ چگونه می‌توان امنیت جانی انسانها را تأمین کرد و در عین حال از بدتر شدن وضع محیط زیست جلوگیری بعمل آورد؟ به نظر من پرداختن به این سئوالات و



## قصاص و قرآنتان، هر دو را باید به زبانه دان انداخت!

### در پاسخ به صادق لاریجانی

مینا احدی

را برای يك اتفاق تاریخی بزرگ فراهم کند.

فراخوان من به جوانان در ایران، به خانواده‌هایی که اینها عزیزانشان را کشته و اجازه گریه کردن هم ندادند، به مادرانی که داغ دل جگر گوشه‌هایشان را بر دل دارند، به رهبران کارگری و دانشجویی و به همه مردم آزاده ایران اینست: راه دیگری نیست، باید بلند شد و تکلیف این حکومت و این چهره‌های کریه را هرچه زودتر یکسره کرد. این تنها راهی است که میتواند کمک کند، بختک جمهوری اسلامی را از سر آن جامعه برداشته و نفسی به راحتی بکشیم.\*

اینکه کلاهشان را باد نبرد، فعلا در مقابل امریکا و دولتهای غربی، زانو زده و از شعار مرگ بر امریکا کوتاه آمده و برنامه تولید سلاح اتمی را فعلا مسکوت گذاشته و اجازه میدهند که کنترلشان کنند. این کوتاه آمدن و قبول شکست در یکی از مهمترین شعارهای استراتژیک جنبش اسلامی، یعنی ضدیت با شیطان بزرگ و امریکا، میتواندست و میتواند در داخل با تعرض مردم مواجه شود، چرا که ریختن ریش و پشم جنبش اسلامی به مردم و به جوانان منجر از حکومت میتواند روحیه ای تعرضی داده و زمینه

است که ماهیت اسلام و مذهب و قرآن و خدا را برای میلیونها نفر روشن کرد. این بساط جهل و خرافه و جنایت و ترور و سنگسار، از همان روز ازل برای تحمیق مردم و چاپیدن آنها بوده و اکنون بیش از همیشه روشن میشود که قرآن و خدا برای اینست که جیب خامنه ای از میلیاردها دلار پول پر شود و شما هم در معیت برادران دزدتان زمین و ثروت و پول بالا بکشید و خون بریزید و دعا بخوانید تا مردم ساکت شوند و به چشمشان خاک پاشیده شود و تردید کنند که با مشت جلا و جنایتکار حرفه ای طرف هستند که میکشند و می دزدند.

روحانی آمد و با شامورتی بازی آخوندی میخواهد نظام را کمک کند تا چند صباحی همه باهم عمر کنید چرا که همه باهم از عواقب حکومتتان میترسید و همه میدانید که دیر یا زود آن جامعه بلند خواهد شد و همه شما دست اندرکاران و همه شما سازندگان این دستگاه جهنمی را از اصلاح طلب تا محافظه کار از آخوندو معمم تا مکلا و کت و شلواری اتان همه را دادگاهی خواهد کرد و پاسخ این همه رذالت را روزی همه شما دریافت خواهید کرد. برای اینکه آن روز را عقب بیاندازید بیشتر میکشید. خیز برداشتن جنبش انقلابی در ایران علیه خامنه ای و حکومت اسلامی و تعیین تکلیف با "سر مار اسلام سیاسی" در ایران، واقعه ای است که دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد اینرا به شما قول میدهم. واقعه ای که میتواند تاریخ بشری را يك گام مهم به جلو ببرد.

خامنه ای و سران رژیم، برای

سکته کرده بود، دست و پا بسته بردیم و اعدام کردیم و کار خوبی کردیم، نه نمیتواند و جرات ندارد رسماً از جنایاتشان دفاع کند، مجبور است به سنگسار اسلام و قران پناه برده و با چسبیدن به الهی بودن این جنایات تعدادی را ساکت و اعتراضات را کم کند.

پاسخ من به لاریجانی که دستهایش خونین است و سبعیت و بیرحمی حتی در چهره کریه اش نیز حک شده است، اینست که حکومت فاشیست و بیرحمتان، در يك دست قران داشت و در دست دیگر کشت و سنگسار کرد و به آن جنایات همواره رنگ تقدس بخشید. این حکومت در مقابل خود طوفان درو کرد. آن جامعه نه فقط به حکومت اسلامی و آخوند و لاریجانی و روحانی و خامنه ای و سپاه پاسداران و رفسنجانی و همه جنایت کاران اسلامی نه گفت، بلکه به اسلام و قران و سنت و فرهنگ اسلامی نیز در عمل نه گفت. کافی است جناب لاریجانی گوش را به زمین بچسبانند و این هیاهوی عظیم را بشنود. بلی جناب لاریجانی، امروز در ایران، با این همه جنایت نه فقط گور خودتان و حکومت اسلامیتان را کنید، بلکه با چسبیدن به اسلام و قران و خدا برای ساکت کردن مردم و تقدس بخشیدن به رذالت حکومتتان، گور اسلام را نیز در آن جامعه کنده اید.

قصاص و قرآنتان هر دو را مردم دارند به زبانه دان می اندازند. اگر حکومت شما بعد از این همه جنایت و به خاک سیاه نشاندن میلیونها نفر، يك تاثیر مثبت داشته باشد همین

جمهوری اسلامی ایران از روز اول در يك دست قران و در دست دیگرش طناب دار داشت، و با سازمان دادن جنایت مقدس، زبانها را ساکت کرد و به جنایت و خونریختن تقدس بخشید.

از روزی که حسن روحانی لیخند بر لب، بر مسند ریاست جمهوری این حکومت تکیه زد، روزی نیست که لاریجانی، سند قتل چند نفر را امضا نکند. اعدامها بیشتر از دوره احمدی نژاد است. دلیل آنها اینست که نظامشان در حال تغییر سیاست و کوتاه آمدن از شعارهایی است که با اتکا به آن قبلاً اعدام میکردند و میکشند. لاریجانی رئیس قوه قضاییه حکومت فاشیست اسلامی به محکوم شدن حکومت اسلامی در شورای حقوق بشر سازمان ملل، اعتراض دارد. او در روز چهارشنبه ۱۲ آذر ماه، انتقادات نهادهای بین المللی علیه اعدام جوانان در ایران را قبول ندارد و این حرفها را همان حرفهای "ضد انقلاب" میدانند و میگویند: "در بندهای این قطعنامه قصاص را مردود دانسته اند این در حالی است که قصاص در قرآن است و انتظار نایجابی است که ما از اجرای مضمونی قرآنی به دلیل تصویب يك قطعنامه دست بکشیم. وقتی قوه قضاییه را برای اجرای حکم قصاص محکوم میکنند در واقع میخواهند اعتقاد ما به اصل اسلام را محکوم کنند."

این يك جاخالی دادن از سوی رئیس قوه قضاییه حکومت اسلامی است. نمیتواند بگوید زندانی جوان را در همین هفته در حالی که

## تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen -  
Sweden

## در گرامیداشت بیست و دومین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

ترانه شادی از ایران

ضمن عرض تبریک بمناسبت بیست و دومین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری به تمامی فعالین و اعضا این حزب به پاره‌ای از خدمات این حزب اشاره میکنم. برکسی پوشیده نیست که این حزب در طی این سالها از بود تشکیل تاکنون چه خدماتی به حقوق بشر در ایران و در دنیا کرده است. از شما بینندگان عزیز سوال میکنم از تمام اپوزیسیونهایی که دم از انسانیت میزنند، کدامشان برای نجات زندگی یک انسان وقت گذاشته اند؟ کدامشان صدای زندانیان سیاسی بوده اند؟ کدامشان جنایات این رژیم را در دنیا فاش کرده اند؟ کدامشان صدای زنان بوده اند؟ کدامشان جنایت سنگسار را به دنیا معرفی کرده اند؟ کدامشان از حقوق کودکان دفاع کرده اند؟ آیا کسی جز این حزب و اعضای آنرا سراغ دارید که چنین خدمات ارزنده ای برای انسان و انسانیت و دفاع از حقوق آنها در دنیا انجام داده باشد؟ مطمئنا سراغ ندارید. مردم عزیز ایران ما باید ابتدا تکلیفمان را با خودمان روشن کنیم، ببینیم چه میخواهیم. آیا میخواهیم حقوق انسانیمان را از این رژیم جنایتکار بگیریم، یا نه؟ هنوز میخواهیم به این ذلت و خواری تن در بدهیم یا منتظر امداد غیبی بمانیم و یا در انتظار باشیم غرب و یا آمریکا کاری برایمان انجام بدهند؟ ما نباید اجازه بدهیم این جنایتکارها با مل مردم مثل برده و کنیز و غلام حلقه به گوش خودشان رفتار کنند و ما را مثل عروسک خیمه شب بازی به هر طرف بخواهند بچرخانند. آیا این رژیم جنایتکار در طول این ۳۵ سال جز حمایت از تروریسم و حفظ موقعیت خودشان

و ثروت اندوزی سرانشان برای ما کاری کرده اند؟ آیا جز گسترش فقر و بیکاری و اعتیاد و فحشا و کودکان کار و بدبختی در این سالها چیز دیگری برایمان به ارمان آورده اند؟ آیا دیگر وقتش نرسیده سازماندهی شویم و بجای اینکه بگوییم چه کنیم؟ حزبی داشته باشیم تا ما را بسوی انسانیت رهبری و هدایت کند. مردم عزیز روی سختم با شما است آیا واقعا تاکنون به طور جدی با خودمان فکر کرده ایم چه میخواهیم و توقعمان از زندگی چیست؟ عزیزان من، هر کدام از ما میتوانیم یک راهکار ارائه دهیم و از بین این راهکارها بهترین را برای رسیدن به حقوق انسانیمان انتخاب کنیم. بیایید فرصت را از دست ندهیم، اجازه ندهیم دشمنانمان از اختلافات جزئی در عقاید ما سوء استفاده کنند و بین ما تفرقه بیندازند، اجازه ندهیم برای ادامه جنایاتشان زمان بخرند، برنامه هسته ای را رها کنید، دردی از من و شما و مشکلات ما و فقر بیکاری دوا نمیکند. فقط فرصت بیشتری به این جنایتکارها میدهد تا برای رسیدن به خواسته هایشان زمان بخرند. ما نباید زمان را از دست بدهیم، نباید هر یک دقیقه از وقت این برنامه را که با هزاران زحمت و متحمل شدن هزینه های گزاف از طرف عزیزان این حزب صرف میگردد را با جر و بحث کردن راجع به کمونیسم شوری و کوبا وغیره تلف کنیم. این حزب بخوبی میتواند خواستها و حقوق شما را از زندگی و از انسانیت به شما برگرداند. خواسته ها و حقوق پایمال شده شما را، حق شما را از زندگی به شما برگرداند. حال اسمش را هر چه دوست دارید بگذارید. بگذارید حزب انسانیت،

مردان باشد؟ آیا هنوز میخواهیم اجازه دهیم حق حضانت فرزندانمان را نداشته باشیم؟ آیا کار کردن ما با مردها متفاوت است که در صورت فوت یک زن سرپرست خانواده، فرزندان از دریافت مستمری و بیمه مادرشان محروم باشند؟ در جامعه ای که با حقوق انسانی و عدالت اداره شود جنایت انجام نمیشود که مجازات اعدام داشته باشد. اعدام یعنی چه؟ یعنی ما اجازه داریم در جایگاهی باشیم که حق زندگی را از انسانی سلب کنیم؟

وقتی در جامعه ای فقر و بیکاری نباشد، دزدی و اعتیاد هم نیست. وقتی جوانها تامین باشند و آزادی داشته باشند آنوقت فحشا نیست، تجاوز نیست. وقتی آزادی عقیده و بیان باشد زندانی سیاسی نیست. در جامعه انسانی اعدام نیست، خشونت نیست. و من تمام آمال و آرزوهایم را در این حزب میبینم. حزب انسانی، حزب برابری، حزب عدالت زنده باد آزادی و برابری، زنده باد حزب کمونیست کارگری!

## بمناسبت سالگرد تشکیل حزب

امید از ایران

مدتی است که قصد داشتم به مناسبت سالروز تولد حزب کمونیست کارگری چیزی بنویسم و سالروز این حزب را نه فقط به تمام مردم ایران، به بلکه به تمام مردم دنیا تبریک بگویم. به تمام انسانهای پاک و شریف و آزاده ای، با هر عقیده و مسلکی، بخصوص کمونیست های بسیار عزیز و گرامی که سنگ روی سنگ گذاشتند تا این حزب بنیانش راست و استوار از میان انبوه خرافه ها و از میان انبوه نا امیدیه ها، از میان انبوه زندانها، سرکوبها، شکنجه ها و اعدامها و... سر برافراز و قد علم کند و تبدیل به صدای انبوه مزدبگیران و آزادیخواهان شود.

درود میفرستم بر تک تک کسانی که در ساختن این حزب نقش ایفا کردند، در زندان ها و در کارخانه ها، در دانشگاه ها و در اقصا نقاط جهان. و درود میفرستم بر بنیانگذاران این حزب بخصوص منصور حکمت عزیز که نقشی حیاتی در شکل دادن به این حزب و بنیادهای فکری و برنامه ای آن ایفا کرد. این حزب متعلق به تمام مردم ستمدیده است، این حزب مردم است و جایش توی قلب مردم است. این حزب سازمانده است این حزب تعبیر دهنده است. تمام بشریت اکنون از سرمایه داری در سراسر دنیا

تا کی میخواهیم به خشونت هایی که علیه ما اعمال میشود تن در بدهیم؟ آیا هنوز میخواهیم خشونت را تجربه کنیم؟ خشونتی که همزمان با روز جهانی منع خشونت علیه زنان بر اساس تحقیقاتی که در ایران انجام شده ۶۶٪ از زنان در ایران از ابتدای زندگی درگیر خشونت هستند و ۵۳٪ از آنها در یک سال ابتدایی ازدواج خشونت را تجربه کرده اند؟ آیا هنوز میخواهیم زن را نصف مرد حساب کنند؟ آیا هنوز میخواهیم دستمزد ما کمتر از

## یک دقیقه سکوت، یک اعدامی دارد حرف میزند! اگر اسلام اینطوریه، اگر قران اینطوریه، ما اینو نمیخواهیم!



کند. میگوید جان گوسفند در این جامعه از ما بیشتر ارزش دارد، حداقل قبل از کشتن گوسفند چهار نفر او را میدوانند تا خسته شود و درد را کمتر بفهمد، اینجا به راحتی جدایمان میکنند و لحظاتی بعد ما را میکشند، این چه وضعی است!! او میگوید مامورین اجرای احکام یعنی جلادان بعد از اعدام انسان، انسانی که اسم و رسم دارد، خانواده دارد و ... پاداش میگیرند، این چه حکومتی است. در این کیفرخواست با صدای یک اعدامی، که باید به همه

حکومت اسلامی اعلام کرد که بعد از توافقات ژنو، سراغ محکومین به اعدام در زندان قزل حصار میروند و اعدام دسته جمعی میکنند تا کارگر و دانشجو و منتقد و منزجر از حکومت فکر شورش و اعتراض و انقلاب به سرش نزنند. از داخل زندان و از زبان محکوم به اعدام از قزل حصار بشنوید چه میگوید. او که روزانه می بیند که یک حکومت جنایتکار، جان و زندگی هزاران نفر را به گروگان گرفته است تا هر روز و هر زمانی اراده کرد تعدادی را جدا کرده و با وحشیگری اعدام

زبانهای دنیا ترجمه شود، نه فقط حمله به اعدام و حکومت اعدام را می شنویم، بلکه به اسلام و قران و تکیه گاه حکومت اسلامی نیز حمله میکند و میگوید این قران و خدای شما را قبول نداریم. جوان ۱۸ ساله را در سراسر عمرش یکبار خطا کرده، ما هم میگییم خطاکاره اما از رفت اسلامی فقط در کتابها استفاده میشه، چرا این جوان را میکشید؟؟ خانواده آنهایی که بچه دارند بچه ۶ ساله دارند، کی میخواهد سرپرستی کنه، کدوم

خدا گفته من دارم میگم من جنایتکارم، مگه نمیکند زندان ما زندان طاغوت نیست زندان ما دانشگاه است پس ما چه جوری میخواهیم یاد بگیریم، چرا این همه اعدام ...

این صدا را در همه جا پخش کنید! این صدا کیفرخواست یک زندانی و یک محکوم به اعدام علیه حکومت جنایت و رذالت اسلامی است، ممکنست همین امروز یا فردا او را بکشند،

وظیفه ما است که بلند شده و به این جنایتکاران اعلام کنیم دیگر بس است! دیگر نمیگذاریم بکشید و بچاپید.

ننگ بر حکومت اسلامی  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۳۰ نوامبر ۲۰۱۳  
<http://www.youtube.com/watch?v=QqmEQ732GMk#t=192>

بر من داشته است. او در پایان میگوید من علیه خرافات هستم و این راه را ادامه میدهم. این حق من و آزادی من و افرادی مثل من است که نظراتمان را معلوم کنیم و بگوییم به اسلام اعتقادی نداریم. دنیا باید صدای ما را بشنود و از ما دفاع کند. او میگوید بعد از آزادی بارها قصد قتل مرا داشتند اما من نمیترسم و با مرگ خودم در مقابل آنها می ایستم و از حق خودم دفاع میکنم. او خواسته است صدایش را به دنیا برسانیم. مینا احدی مسئول نهاد اکس مسلم در آلمان میگوید ما از این جوان دفاع میکنیم و صدای او را در دنیا منعکس خواهیم کرد. همچنین ما دولت محلی کردستان و شخص مسعود بارزانی را مسئول این اعمال ضد انسانی میدانیم. احدی میگوید: دولت محلی کردستان عراق به

دلیل نقض آشکار حقوق کودک و حق آزادی بیان محکوم است. این مورد پاسخگو باشد که چگونه است نوجوان ۱۴ ساله ای را بدلیل ابراز عقیده و بیان دستگیر و شکنجه میکنند. این راهی که بارزانی و دولتش در پیش گرفته اند، پا جای پای فاشیسم اسلامی گذاشته است و باید فوراً تقبیح و محکوم شود. مینا احدی میگوید ما خواهان محاکمه شکنجه گران این نوجوان ۱۴ ساله هستیم. در اولین اقدام مقامات دولت محلی کردستان عراق باید به دلیل شکنجه این کودک از او معذرتخواهی کرده و همچنین توضیح رسمی در این مورد به جامعه و سازمانهای مدافع حقوق انسانی بدهند.

سازمان اکس مسلم در آلمان  
۱ دسامبر ۲۰۱۳

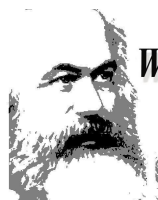
## به جرم خروج از اسلام مرا شکنجه کرده و محاكمه میکنند من حق دارم بگویم دین و مذهب با خرافات عجیب است

اسم امیر از مسئولین زندان به من گفت کشتن تو حلال است و هر کس ترا بکشد در آن دنیا جایزه میگیرد و هفتاد حوری بهشتی نصیب قاتل تو میشود. این نوجوان ۱۴ ساله را تا کنون بارها دادگاهی کرده اند او میگوید تحقیر میکنند و با من مثل فردی که جرم و جنایتی مرتکب شده و یا بیمار است رفتار میکنند. در ۴ نوامبر با کفالت آزاد شدم، اکنون هم مداوم باید به دادگاه بروم با من چنان رفتار میکنند گویی جرم بزرگی مرتکب شده ام. هنوز نتیجه دادگاهم معلوم نیست. او گفته است که پزشکان تایید کرده اند که این نوجوان ۱۴ ساله بشدت شکنجه شده است و این شکنجه ها تاثیرات مخرب روحی و روانی

دست کشیده است. او میگوید این دین با خرافات عجیب است و من بعنوان یک جوان آزاد حق دارم دست از این مذهب بکشم. ولی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳ نیمه های شب او را دستگیر میکنند. او میگوید شب ساعت ۱۱ از طرف نیروهای ضد ترور و آسایش پارتی دمکرات کردستان در هولیر (ارییل) دستگیر شدم. تا نیمه های شب مرا با شیلنگ، کابل و باتوم شکنجه کردند. همان شب به دستور دادستان مرا به یک زندان به اسم "احداث" منتقل کردند، در آن زندان هم تا پنج صبح کتکم زدند. بدنم تماما خونین و کبود شده بود هیچ جای سالمی در بدنم نبود. در زندان (احداث) فردی به



اعتراض سازمان اکس مسلم در آلمان به رفتار وحشیانه دولت محلی کردستان عراق با یک جوان ۱۴ ساله اکس مسلم اسمش احمد شیروان است. فقط چهارده سال سن دارد و در سایت های اینترنتی و در مدیای اجتماعی به نقد اسلام پرداخته و اعلام کرده است از مذهب اسلام



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Workers Communist Party of Iran  
www.wpiran.org

## تلاشهای بیهوده مجلس اسلامی برای جلوگیری از استخدام دختران مجرد

## در گرامیداشت عمر احمدزاده چهره محبوب و شناخته شده مردم کردستان

### غزال میرزایی لنگرودی



عامل فساد و تباهی معرفی شده اند.

### انتقال زن نخبه به روش اسلامی

در بخش دیگری از طرح پیشنهادی نمایندگان به «انتقال زن نخبه» اشاره شده برای تقویت و تعمیم میزان زن نخبگی در فرآیند بین نسلی جمعیت کشور! نمایندگان حامی متحجر طراح این ایده، در این باره توضیحی ندادند و نگفته اند که از «انتقال زن نخبه» چه منظوری در سر دارند و این موضوع به شکل کلی به عنوان موضوعی مبهم طرح شده است. شاید منظورشان این است که نخبه ها با هم ازدواج کنند یا مثلاً فلان آخوند مسلط به دین ۶۰ ساله با شاگرد اول ۱۸ ساله کنکور سراسری ریاضی و فیزیک ازدواج کند تا فرزندشان از نظر دینی و ریاضی و فیزیک زن نخبه داشته باشد! ولی همین کافی است که عمق تفکر راسیستی و ارتجاعی مبتکرین این طرح را که ریشه در تفکرات اسلامی آنها دارد، نشان دهد.

### استیصال در مقابل بیکاری گسترده

این طرح يك تلاش مذبحانه در مقابل بیکاری گسترده است. در حالی که آمار واقعی بیکاری به رقمی بیش از ۵۰ درصد نیز میرسد، بیرون راندن بخشی از زنان از بازار کار راه حلی است که به افکار عقب مانده ارائه کنندگان این طرح رسیده است. اما خودشان بهتر می دانند که این طرح کوچکترین تاثیری در کم کردن میزان بیکاری نمی تواند داشته باشد.

### این طرح ضد زن است

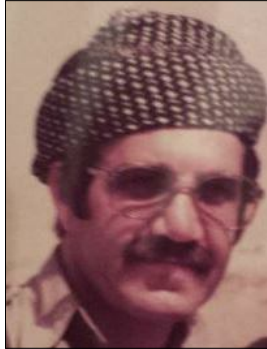
این طرح نشان از رویه دولت دیکتاتوری اسلامی برای پایمال کردن کامل ته مانده حقوق

شهروندان به ویژه حقوق زنان است. طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، نگاهی واپس‌گرا به واقعیت‌های جامعه امروز دارد، جامعه‌ای که در آن زنان به شکل عینی و واقعی در شبکه درآمد اقتصادی خانواده‌ها وارد شده‌اند و حتی از طریق شبکه‌های غیررسمی - مانند دستفروشی یا کار خانگی - نسبت به تامین معاش خانواده اقدام کرده‌اند. اما هیچگاه احترامی در جامعه انسان‌گیز تحت تسلط ولی فقیه نداشتند.

### درس عبرت

نکته‌ای که حکومت به آن توجه نمی کند این است که، جوانان ایران و به ویژه زنان ایران، همه گونه ظلم و ستم را دیده‌اند ولی هیچگاه تسلیم نشده و تسلیم نمی شوند. آمارهای منتشر شده توسط سازمانهای بین‌المللی نشان داده است که با تمام تبلیغات سران جمهوری اسلامی و نصایح ولی فقیه و با تمام محدودیت‌هایی که در مورد روشهایی کنترل جمعیت وجود دارد، نرخ رشد جمعیت در ایران در سالهای اخیر بسیار پائین آمده و کمتر از بسیاری از کشورهای اروپایی شده است. همین نشان می دهد که مردم توصیه‌ها

و فشارهای دایناسورهای اسلامی مبنی بر افزایش جمعیت، کمترین وقعی نمی گذارند. در حالی که بسیاری از جوانان ایران ترجیح می دهند آزادانه، بدون عقد ازدواج و خارج از قیود و سنت‌های عقب افتاده اسلامی با هم زندگی مشترک داشته باشند و این مسئله بصورت يك پدیده عادی در آمده است، این طرح نمی تواند این جوانان را وادار به ازدواج‌های تحمیلی کند. این طرح هم همچون سایر نقشه‌های شوم حاکمان ظالم شکست خواهد خورد و روسیاهی‌اش برای کسانی می ماند که چشم‌هایشان را بسته‌اند و واقعیت‌های دنیای امروز را نمی بینند.\*



با تاسف فراوان رفیق عمر احمد زاده مبارز خستگی ناپذیر علیه دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی در بامداد اول دسامبر ۲۰۱۳ در شهر کلن آلمان بر اثر بیماری سرطان در سن ۶۹ سالگی از میان ما رفت.

با مرگ این مبارز خستگی ناپذیر مردم کردستان يك یار و دلسوز قدیمی و دوست داشتنی خود را از دست دادند. عمر احمدزاده در سه دهه گذشته برای کمونیستها و مبارزین کردستان چهره‌ای آشنا و همراهی دلسوز بود.

عمر احمد زاده مبارزی انقلابی بود که بیش از پنج دهه از زندگی

خود را صرف مبارزه و فعالیت سیاسی و مبارزاتی کرده بود. در شهرهای کردستان و بویژه در شهرهای میوان و سنندج و برای مردم منطقه «کلانتران» و «شامیان» و «سروآباد» عمر احمد زاده شخصیتی آشنا و محبوب است. مردم او را بعنوان يك مبارز انقلابی و یار و دوست نزدیک خود می شناسند و به این پایداری و پیگیری در مبارزه احترام و ارج می نهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران درگذشت رفیق عمر احمدزاده را به همسر او پروانه فلاحتکار و فرزندانش زرتشت، رزگار و یادگار احمدزاده و به همه رفقا و بستگانش در شهرهای سنندج، میوان و نگل و همه انسانهای آزادیخواه تسلیت میگوید.

گرامی باد یاد عمر احمدزاده  
کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
سوم دسامبر ۲۰۱۳

**اگر رفاه را حق تک تک شهروندان جامعه میدانید**

**اگر آزادی را بدون محدودیت و قید و شرط میخواهید**

**اگر توهین به زنان بر نمی تابد و زنان را هم ارز و برابر مردمان میخواهید**

**اگر تحصیل و در مان رایگان را حق همه کودکان و مردم میدانید**

**به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!**



از صفحه ۴

## آلودگی هوا در ایران از انسان و محیط زیست قربانی می‌گیرد!



واردات بنزین به ایران سالانه حدود شش و نیم میلیارد دلار است که بر اساس آمارهای غیررسمی این رقم به ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد. به دنبال اعمال تحریمهای اقتصادی و قطع واردات بنزین، دولت جمهوری اسلامی تصمیم گرفت که با افزودن ماده خطرناک بنزن به بنزین تولید این ماده سوختی را بالا ببرد و اینگونه با تحریمها مقابله کند. لازم به گفتن است که تولید بنزین در پالایشگاههای ایران همواره با افزودن موادی به آن توأم بوده است که حکم سم را داشته است. بنا به گزارش سایت اینترنتی "عصر خودرو" تا قبل از سال ۱۳۸۲ یا سال ۱۳۸۳ به بنزین توزیعی در کشور سرب اضافه می‌شد. این ماده هم آلاینده محیط زیست است و هم گفته می‌شود که سرطان زاست. سپس استفاده از این ماده متوقف شد و به جای آن ماده دیگری بنام MTBE که اکتان بنزین را بالا می‌برد، مورد استفاده قرار گرفت که البته استفاده از این ماده هیچگاه ممنوع اعلام نشد بلکه تنها گفته شد که میزان استفاده از آن کاهش یافته است. استفاده از MTBE باعث انتشار گاز بنزن می‌شود که گازی به شدت سرطان زا است. پس از به اجرا درآمدن تحریم های اقتصادی، جمهوری اسلامی بخاطر اینکه خود را از تک و تا نیاندازد با ترکیب خطرناک بنزن به بنزین یک بنزین سرطان زا و غیراستاندارد را برای مصرف در اختیار شهروندان گذاشت. قابل ذکر است که بنزن ماده بسیار سمی و کشنده است و تنها به مقدار بسیار ناچیز برای بهسوزی بنزین از آن استفاده می‌شود. آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی میزان مجاز بنزن در بنزین را به ۶۲/۰ درصد کاهش داد. حد استاندارد اروپا برای آلاینده بنزن موجود در هوا پنج میلی گرم و در ژاپن سه میلی گرم در مترمکعب است. در همین حال گفته می‌شود که میزان

بنزن موجود در هوای تهران ۳۰ برابر استاندارد های جهانی است. اثرات مزمن ناشی از استنشاق بنزن باعث اختلالات خونی در انسان می‌شود. همچنین عوارض عصبی ناشی از استنشاق بنزن شامل خواب آلودگی، سرگیجه، سردرد، بیهوشی و رعشه است. وارد شدن این ماده به دستگاه گوارش باعث تهوع، تشنج، بی‌خوابی، تحریک معده و افزایش ضربان قلب، اغما و مرگ می‌شود و تنفس بخار بنزن مشکلات شدید تنفسی و سوزش پوست و چشم را موجب می‌گردد، همچنین تماس مستقیم با بنزن باعث قرمزی، تورم و تاولهای پوستی می‌شود. تماس طولانی مدت با بنزن، تأثیرات مخربی بر بافت های سازنده سلول های خون خصوصاً سلول های مغز استخوان می‌گذارد. این تأثیرات باعث کاهش تولید سلول های مغز استخوان شده و موجب کم خونی می‌شود.

### حذف کنیستر از خودروها

کنیستر قطعه‌ای است که بخارات ناشی از احتراق بنزین را جذب کرده و مانع از ورود آنها به هوا و آلوده کردن آن می‌شود. مسئله حذف کنیستر از خودروها که به نظر می‌رسد طی سالهای متمادی در جریان بوده است یکی از دلایل آلودگی فاجعه آمیز هواست که شرکت های خودرو سازی و دولت مسئول مستقیم آن هستند. با حذف این قطعه تمام آلاینده ها که بنزن یکی از آنهاست به هوا وارد می‌شوند. بنا به گفته اسکندر مومنی رئیس وقت پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی در طول چهار سال حدود چهار میلیون خودروی بدون کنیستر در کشور تولید و روانه خیابان ها شده است. بنا به گزارشات منتشر شده در رسانه های رسمی جمهوری اسلامی، پیش از سال ۸۸ تمامی

محصولات ایران خودرو مجهز به کنیستر نبوده است. در این میان ۱۱ نوع خودروی تولید داخل از جمله پژو ۴۰۵ فاقد کنیستر بوده و بخارات بنزین را مستقیماً وارد هوا کرده‌اند.

از نظر شرکت های تولید کننده خودرو نصب کنیستر بر روی خودروها "مقرون به صرفه نبود" و به این دلیل تجهیز خودروها به کنیستر به مدت چندین سال متوقف شد. این در حالیست که در اروپا سالهاست استفاده از این قطعه در خودروها اجباری است. بعلاوه باید خاطر نشان کنیم که بنا به گفته کارشناسان محیط زیست کلیه مبدل های کاتالیستی که بر روی خودروهای تولیدی نصب می‌شود تا میزان آلایندهی آنها را کاهش دهد پس از ۸۰ هزار کیلومتر یعنی حدود ۳ سال پر شده و عملاً کارایی خود را از دست می‌دهند و اگر شرکت های تولیدکننده خودرو برای تعویض آنها اقدام نکنند میزان آلایندهی خودروها چندین برابر افزایش می‌یابد. اینجا نیز تولیدکنندگان خودرو هیچ تعهد و مسئولیتی در قبال محصولاتتی که به فروش می‌رسانند و پیگیری خدمات پس از فروش از خود نشان نمی‌دهند.

### استفاده از ماده سمی آزبست (پنبه نسوز)

امروزه در بسیاری از کشورهای صنعتی استفاده از آزبست و یا پنبه کوهی بدلیل

خطراتی که برای محیط زیست و جان انسان دارد ممنوع اعلام شده است. الیاف پنبه کوهی می‌تواند به ذرات بسیار ریز و نامرئی تبدیل شود. این ذرات نامرئی در هنگام تنفس به اعماق شش نفوذ می‌کنند و برای همیشه در آن جا می‌مانند. با گذشت زمان این ذرات بر اثر تحریکات مداوم خود می‌توانند سبب سرطان ریه و حنجره شوند و نهایتاً به مرگ بیانجامد. میزان آزبست در هوای تهران حدود ۳۰ تا ۵۰ برابر شهرهای پاک دنیا است. در ایران آزبست در لنت ترمز و کلاچ خودرو و همچنین سقف ایرانیت ساختمان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. مسئله ممنوعیت استفاده از هر گونه آزبست که در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید به نظر نمی‌رسد که استفاده از این ماده سمی را متوقف کرده باشد. وحید نوروزی کارشناس محیط زیست در مستند تلویزیونی درباره آلودگی هوا در فروردین ماه ۱۳۹۱ اظهار داشت که خود یکی از وزارت خانه های جمهوری اسلامی نسبت به ثبت سفارش آزبست و وارد کردن این ماده سمی اقدام کرده است.

### نمونه شهر اهواز

همانطور که در ابتدای این نوشته گفتم اهواز برای دومین بار از سوی سازمان بهداشت جهانی به عنوان آلوده ترین شهر جهان شناخته شده است. اخیراً وضع

آلودگی هوای اهواز چنان به وخامت گرائید که نزدیک به ۲۰ هزار نفر دچار تنگی نفس گشته و راهی بیمارستان شدند. خبرگزاری فارس در گزارشی که در پاییز سال ۱۳۹۰ منتشر کرد از جمله در باره دلایل آلودگی اهواز نوشت:

"بر اساس آخرین مطالعات آلودگی هوای اهواز، صنایع نفتی به دلیل سوزاندن مقادیر عظیمی از گازهای حاوی سولفور (SO<sub>2</sub>) و نیز مایعات زاید در گودال های آتش، انتشار آلاینده مونوکسید کربن (CO) و ذرات، بیشترین سهم را در ایجاد آلاینده های زیست محیطی و انتشار آن‌ها در فضای اطراف اهواز به عهده دارند. در رتبه بعدی بیشترین بار آلودگی ناشی از آلاینده دی اکسید گوگرد (SO<sub>2</sub>) در صنایع برق و به ویژه نیروگاه رامین است که در نتیجه مصرف سوخت های فسیلی سنگیناست.

در مورد انتشار آلاینده ذرات معلق بیشترین سهم انتشار متعلق به کارخانجات فولاد و بیشترین درصد انتشار آلاینده هیدروکربن ها نیز متعلق به فعالیت های تولیدی صنایع کانی غیرفلزی است.

بر اساس این مطالعات هر چند در طی فصل های سرد و مرطوب سال (دی و بهمن) میزان دارد، اما در مقابل میزان گاز مونوکسید کربن، دی اکسید گوگرد و اکسیدهای ازت افزایش قابل

## آلودگی هوا در ایران از انسان و محیط زیست قربانی می‌گیرد!

### هوا

ملاحظه‌ای دارد که با توجه به پایداری هوا در این فصول خطرناک است. این مطالعات نشان می‌دهد که مجموع این آلاینده‌ها سبب می‌شود که میزان آلودگی هوای اهواز همواره حداقل دوبرابر حد مجاز استاندارد باشد.

عدم رعایت استانداردهای زیست محیطی و بی‌اعتنایی مطلق به سرمایه‌گذاری در زمینه جلوگیری از آلودگی هوا طبعاً از عوامل انسانی دخیل در این فاجعه هستند.

سوزاندن مزارع نیشکر هم یکی دیگر از عوامل آلودگی هواست. نیشکر به طور عمده در اهواز، شوشتر، شادگان و شوش کشت می‌شود و فصل کشت آن از مردادماه تا نیمه دوم مهرماه است. براساس آمار رسمی بیش از ۴۱ درصد از زمین‌های کشاورزی در استان خوزستان زیر کشت نیشکر است. آتش زدن مزارع کم‌خرج‌ترین روش برداشت نیشکر است و از این رو کشت و صنعت‌ها به خاطر اینکه هزینه زیادی را متقبل نشوند از این روش استفاده می‌کنند. این در حالیست که با استفاده از تکنولوژی جدید و از جمله دستگاهی به نام هاروستر می‌شود از سوزاندن مزارع برای برداشت نیشکر پرهیز کرد و جلوی آلودگی هوا را نیز گرفت. استفاده از چنین دستگاهی در همه جای دنیا مرسوم است ولی در ایران بخاطر سود و طمع سرمایه‌داران و عدم اختصاص ارز کافی از جانب دولت برای تهیه چنین دستگاهی مزارع به آتش کشیده می‌شوند. یکی از کارمندان توسعه نیشکر در این مورد می‌گوید: "دود حاصل از سوزاندن مزارع نیشکر دودی سنگین حاوی قند و الکل است که به دلیل سنگینی به بالا صعود نمی‌کند و همین مسئله سبب تنگی نفس و حساسیت پوستی می‌شود."

### راههای مقابله با آلودگی

داری وجود ندارد. مقابله با این بی‌توجهی یک شرط مهم برای حفاظت از محیط زیست است.

مسئله بعدی تحقیق و کسب دانش در باره آلاینده‌های محیط زیست، راههای مقابله با آن، استفاده از تکنولوژی جدید که با محیط زیست سازگاری بیشتری دارد و همچنین به کار بردن انرژیهای جانشین، اختصاص بودجه لازم برای پروژه‌های تحقیقی در این زمینه و نهایتاً بکارگیری نتایج این تحقیقات در جریان عمل است. سرمایه‌داری به دلیل ماهیت سودپرستانه خود حاضر نیست هزینه زیادی را صرف چنین برنامه‌هایی بکند.

و اما به نظر من مهمترین اقدامات برای مقابله با آلودگی هوا به قرار زیر است:

\* اعمال مقررات سختگیرانه برای میزان مجاز انتشار گازهای آلاینده خودروها که باید توسط شرکت‌های سازنده خودرو رعایت شود. شرکت‌های خودروساز موظفند استاندارد تولید خود را در مطابق استاندارد که کمترین انتشار گازهای آلاینده هوا را دربرداشته باشد ارتقا دهند. این به معنای ساخت و طراحی وسایل نقلیه موتوری است که از حداقل سوخت استفاده کنند. این استانداردها تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در مقایسه با کشورهای اروپایی بسیار عقب‌تر است و تازه در همان حد تعیین شده هم کمتر رعایت می‌گردد.

\* از رده خارج کردن خودروهای قدیمی و فرسوده و همچنین همه خودروهایی که در تولید آنها کبستر حذف شده است و یا در ساختن لنت ترمز و کلاچ آنها آزیست بکار رفته است. در همه این موارد لازم است حقوق صاحبان این خودروها حفظ شود.

\* تأمین شبکه اتوبوسرانی و متروی درون شهری رایگان. گازهای خارج شده از آگزوز خودروها یکی از منابع اصلی آلودگی هواست. بخصوص اینکه می‌دانیم وسایل نقلیه موتوری در ایران نسبت به دیگر کشورها از بالاترین مصرف سوخت برخوردار هستند. اگر جامعه بتواند شبکه ترانسپورت شهری رایگان را در

اختیار شهروندان قرار دهد طبعاً این به کاهش استفاده از خودروهای شخصی منجر خواهد شد و این به نوبه خود به کاهش آلودگی هوا می‌انجامد. تأمین بهترین شرایط برای استفاده همه شهروندان از امکان وسایل نقلیه عمومی با سرویس و دسترسی مناسب یکی از موثرترین راه‌های مقابله با آلودگی هواست. در همین رابطه استفاده از تجربه سامانه اتوبوس تندرو (Bus rapid transit) که منجمده در کشورهای هلند و برزیل از آن استفاده می‌شود می‌تواند در ایران نیز بکار گرفته شود.

\* تنظیم و اجرای مقرراتی که کارخانه‌داران و صاحبان صنایع را موظف به رعایت مسائل زیست محیطی و کاهش انتشار آلاینده‌های صنعتی در هوا می‌کند. متأسفانه در این بخش دقیقاً به دلیل ماهیت سودپرستانه سرمایه‌داران حتی در سطح جهانی نیز موفقیت کمتری بدست آمده است. در ایران وضع به معنای واقعی کلمه افتضاح است. هیچ کنترل و بازرسی درست و حسابی‌ای در این مورد وجود ندارد. صنایع در قلب شهرها و مناطق مسکونی جان و سلامتی ساکنین را تهدید می‌کند و در این رابطه اقدامی نمی‌شود. در اینجا باید تأکید کنیم که صنایع آلاینده بطور قطع باید از محدوده شهری خارج شوند و در بیرون از شهر نیز با نصب فیلتر و یا استفاده از تکنولوژی جدید از میزان آلاینده‌های آنها کاسته شود.

\* آزادی ساکنین کشور و نمایندگان آنها در کنترل و بررسی تأثیرات فعالیت‌های دولت و بنگاه‌های مختلف بر محیط زیست. \* استقرار ایستگاه‌های پالایش آلودگی هوا به اندازه کافی بویژه در مناطق بحرانی. این اقدام اگر چه کاهش آلودگی از مبدا نیست ولی یک اقدام مکمل لازم و ضروری است.

\* جایگزینی منابع فسیلی انرژی با انرژی‌های جایگزین تجدیدپذیر یعنی از جمله انرژی خورشید، باد، انرژی گرمایی اقیانوس‌ها، انرژی امواج آب و انرژی جنر و مد اقیانوس‌ها و بیوگاز.

\* حفظ جنگل‌ها و افزایش

کشت درخت و محیط سبز که به نوبه خود به تصفیه هوای آلوده کمک می‌کند.

\* گسترش دوچرخه سواری و تشویق شهروندان به استفاده از دوچرخه بعنوان وسیله حمل و نقل که برای سلامت انسان نیز مفید است. در این رابطه لازم است دولت تسهیلات لازم را برای گسترش دوچرخه سواری فراهم آورد همانطور که در بسیاری از کشورهای جهان نظیر چین هلند و دانمارک شاهد آن هستیم. به این منظور ضروری است که در شهرها مسیرهای مناسب دوچرخه سواری ایجاد شود و همچنین ایستگاه‌های رایگان دوچرخه دایر گردد.

اینها رتوس برخی اقداماتی است که می‌تواند در مبارزه با آلودگی هوا موثر باشد. طبعاً به این لیست می‌توان موارد خرد و درشت دیگری را هم اضافه کرد. قدر مسلم دخالت همه شهروندان چه درحیطه شخصی برای کمک به بهبود محیط زیست و مقابله با آلودگی هوا و چه به شکل دسته جمعی بمنظور تحت فشار گذاشتن دولت‌ها (و در اینجا جمهوری اسلامی) برای رعایت موازین محیط زیست پیش شرط موفقیت در این عرصه است.

مسئله آلودگی هوا در ایران بسیار جدی است. باید همه مردمی که در فضای این هوای آلوده تنفس می‌کنند دست بکار شوند و خواهان اقدامات فوری برای رفع این مشکل بزرگ و کشنده شوند. جمهوری اسلامی مسئول این وضعیت خطرناک و ناپایمن است. ضروری است که با مبارزه دسته جمعی و اتکا به اشکال مختلف اعتراض، جمهوری اسلامی را وادار کنیم که همین امروز بیشترین امکانات کشور را برای حل این مشکل بکار گیرد. حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق همه ماست. باید از همین حالا با جدیت برای تحقق این حق بکوشیم و با سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه‌داران آنرا به عنوان فرمان حکومت کارگران و مردم زحمتکش به کرسی بنشانیم.\*

hasan.salehi2000@gm  
ail.com

## کارگران پتروشیمی ها پرچم ۲ میلیون تومان دستمزد را برافراشتند

میلیون دستمزد اعلام میکند و کارگران مراکز صنعتی در سراسر کشور را به پیوستن به مبارزه متحد و قدرتمند برای افزایش چند برابر دستمزد فرامیخواند. تنها با یک مبارزه سراسری و قدرتمند با خواست مشابه کارگران پتروشیمی های خوارزمی و بسباران، میتوان در مقابل تصمیمات جمهوری اسلامی و شورایی عالی کار حکومت بر سر دستمزد ایستادگی کرد و دستمزد بالاتری را از حلقوم مفتخوران بیرون کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۴ آذر ۱۳۹۲ - ۵ دسامبر ۲۰۱۳

پیگیری کنند و ۵۰۰ هزار تومان بابت پاداش نفت در ماه آینده به کارگران بپردازند. کارگران اعتصابی بعد از ظهر روز یازده آذر به اعتصاب خود پایان دادند اما اعلام کردند که چنانچه ظرف یک هفته به خواست هایشان رسیدگی نشود بار دیگر اعتصاب را از سر خواهند گرفت. قبل از این کارگران برخی دیگر از پتروشیمی های ماهشهر خواست ۳۲ درصد افزایش دستمزد را به مسئولین تحمیل کردند.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از خواست کارگران پتروشیمی های ماهشهر برای افزایش دو

کارگران پتروشیمی های خوارزمی و بسباران در ماهشهر در روزهای ده و یازده آذر دست به اعتصاب زدند و خواهان حداقل دستمزد دو میلیون تومان شدند. کارگران این دو مرکز بزرگ اقتصادی، طبق گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران منتشر کرده است، در جریان مذاکره با مسئولین پتروشیمی اعلام کردند که حداقل دستمزد بدون اضافه کاری باید دو میلیون تومان باشد که قادر به ادامه زندگی باشیم.

در جریان اعتصاب، مسئولین این شرکتها با حضور در میان کارگران قول دادند که خواست افزایش دستمزد را

## شهرها برای زندگی

### امروز در ۱۶۰۰ شهر جهان، هزاران نفر علیه اعدام به خیابان میروند. نه به اعدام در همه جا!

اتفاق افتاده، در ژاپن و یا هند و پاکستان بعد از چندین سال توقف اعدامها در این کشورها ما شاهد اجرای احکام اعدام در این سه کشور بوده ایم.

واقعیت اینست که چهار کشور جهان در صدر جدول اعدامها هستند و ایران یکی از این کشورها است. و در هر برنامه بین المللی باید د رمورد چین، ایران، امریکا و عربستان سعودی بطور ویژه حرف زد و کار کرد.

ما در جریان کنگره جهانی علیه اعدام در سپتامبر ۲۰۱۳ با مسئولین این نهاد ایتالیایی گفتگویی داشتیم و از آنها خواستیم با توجه به گسترش اعدامها در ایران در دوره روحانی، در مورد این اعدامها در جهان بیش از پیش افشاکاری کرده و خواهان اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۳۰ نوامبر ۲۰۱۳

است. در دسامبر ۲۰۰۷ مجمع عمومی سازمان ملل برای اولین بار با رای بالایی یک قطعنامه داد که خواهان توقف احکام اعدام و ممنوعیت اعدام در جهان بود. در دسامبر ۲۰۱۲ مجددا با اکثریت بیشتری این قطعنامه (۱۱۰ رای در مقابل ۳۹) تصویب و علنی شد.

فشار بر دولتها باعث شده است که تعدادی در مقابل این اعتراضات جهانی کوتاه آمده و اعدام را ممنوع کنند.

در امریکا در شش سال اخیر ۶ استان این کشور رسما اعدام را ممنوع کردند. در افریقا سازمان حقوق بشر افریقا در سال ۲۰۱۲ با تصویب یک قطعنامه اعلام کرد که سعی کنند درهمه کشورهای افریقایی اعدام را ممنوع کنند. در اکتبر ۲۰۱۳ یمن اعدام کودکان را ممنوع کرد.

هم اکنون ۱۶۰ کشور جهان رسما اعدام را ممنوع کرده اند یا در عمل اعدام نمیکنند. ۵۱ کشور جهان هنوز اعدام میکنند. روند بازگشت اعدامها متأسفانه در برخی کشورها

امروز ۳۰ نوامبر روز جهانی اعتراض به اعدام در سراسر جهان با فراخوان یک نهاد به اسم است. Sant'Egidio

یک موسسه مذهبی وابسته به کلیسا در ایتالیا فراخوان این روز را داده و هر سال مجموعه برنامه هایی علیه اعدام در این روز در سراسر جهان برگزار میشود. امسال برگزار کننده ها اعلام کرده اند در ۱۶۰۰ شهر و در ۷۰ کشور جهان، میتینگها و سخنرانی و جلساتی با فریاد نه به اعدام برگزار میشود. روز ۳۰ نوامبر به این دلیل انتخاب شده است که در سال ۱۷۸۶ توسکانا یک شهر در ایتالیا، اولین شهر در دنیا بود که شکنجه و اعدام را ممنوع اعلام کرد. این سازمان ایتالیایی بهمین دلیل ۳۰ نوامبر را روز اعتراضات بین المللی علیه اعدام اعلام کرده است. از سال ۱۹۹۸ یک طومار اعتراضی علیه اعدام توسط این نهاد علنی شده است که تا کنون ۵،۵ میلیون نفر آنرا امضا کرده اند.

جنبش جهانی علیه اعدام، یک جنبش گسترده است و خواست همه سازمانها و نهادها ممنوعیت فوری اعدام

مناسبات آنها حاکم میکنند. حتی روی روابط خانوادگی کسانی که با حرفهای آشنا میشوند تاثیر می گذارد. شخصا از وقتی من و خانواده ام برنامه های حزب را در تلویزیون کانال جدید دنبال میکنیم، رابطه مان با هم و رابطه مان با دیگران بسیار فرق کرده است. رابطه انسانی تری با فرزندانمان داریم و لذت بیشتری از روابط انسانی مان میبریم، خیلی از تابوهای سنتی ایرانی در ما شکسته شده است. این حزب ما است این حزب همه کارگران و رنجدیدگان است. این حزب همه کسانی است که یک دنیای بهتر میخواهند. بیست و دومین سالروز تشکیل حزب را تبریک میگویم و همه همزنجیرانم را به پیوستن به این حزب فرامیخوانم.\*

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)

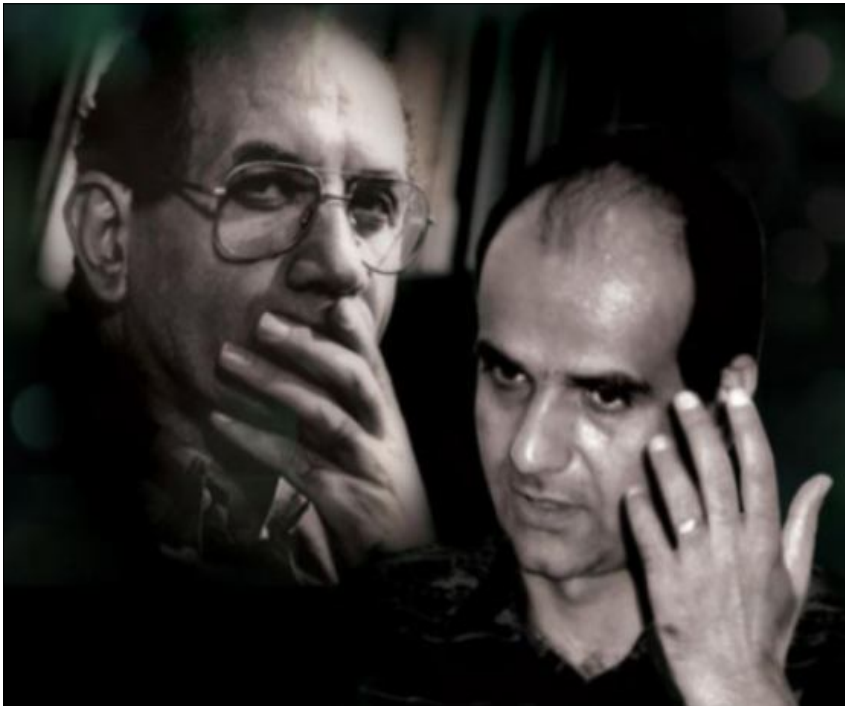
For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

### بمناسبت سالگرد تشکیل حزب

از صفحه ۶

برای کسانی که میخواهند اوضاع نابسامان کنونی را تغییر دهند راه را هموار می نماید. افکار کهنه را، هر چقدر هم در زمان خود عزیز و گرانقدر بوده اند در مسیر رشد جا میگذارد و افکار جدیدی را که اکنون راهگشای مشکلاتند، پیدا میکند. این فقط حزبی برای آینده نیست همین الان دارد بر مبارزات مردم، بر زندگی مردم، اخلاقیات و رفتارشان تاثیر میگذارد و فضای انسانی تری بر

## "نزدیک شو، اگر چه حضورت ممنوع است"



زنجره‌ای در دادگاهی علنی و عادلانه هستیم!  
روز جمعه ۱۵ آذر ساعت ۲ بعد از ظهر در گورستان امامزاده طاهر گرد می‌آییم و مزار یاران جان‌باخته‌ی خود را گل‌باران می‌کنیم.

کانون نویسندگان ایران  
۱۲ آذر ۱۳۹۲

خود در راه دست‌یابی به آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان پای می‌فشاریم.  
چنان که پیش از این بارها گفته‌ایم اگر هزار سال نیز بدین گونه بگذرد باز هم چنان خواهان محاکمه و مجازات آمران و عاملان قتل تبهکارانه‌ی محمد مختاری و محمدجعفر پوینده و دیگر قربانیان قتل‌های سیاسی

زیادی در مورد آن در جامعه رواج یافته است. دادگاه‌های نمایشی فرصت بیان دردها و شناسایی ابعاد جنایت‌ها را ندادند بلکه فقط چند تن از عوامل اجرایی شناخته شده مدتی به زندان افتادند و سپس آزاد شدند. یکی از آن‌ها نیز که زبان به اعتراف گشوده بود به صحنه‌ی خودکشی کشانده شد. هنوز شمار کثیری از آمران، عاملان، معاونان و مباشران هم‌چنان در خفا مانده‌اند. طرفه آن که چندی پیش یکی از عاملان اصلی قتل‌ها در مجلس ختم مادر یکی از همگنانش شرکت کرد و بی‌هیچ پرده‌پوشی در برابر رسانه‌های دیداری ظاهر شد. پیام روشن بود: «نپندارید چیزی عوض شده است». اما نویسندگان متعهد با وجود این گونه پیام‌ها هم چنان به تلاش خود برای آزادی اندیشه و بیان ادامه می‌دهند.

در پانزدهمین سالگرد قتل جنایت‌کارانه‌ی یاران مان، همراه با همه‌ی کسانی که نمی‌خواهند سر بر یوغ سکوت و بردگی فکری بگذارند بر پیمان

که به عمد به گونه‌ای انجام می‌گرفت تا پیام رعب و وحشت در جامعه پراکند. نام ده‌ها تن دیگر در فهرست‌های منتشر شده آمده بود تا نوبت-شان فرارسد. برای دست‌گاه سرکوب، روشن‌اندیشان همواره مایه‌ی تشویش و هراس‌اند، زیرا روشنفکران متعهد موجودیت و منافع سرکوب-گران آزادی را به معارضة می‌گیرند.

این دو یار کانونی، روشنفکران آزادی خواه و جان‌باختگان راه آزادی اندیشه و بیان، نه به دلیل‌های واهی یا بهانه‌های پیاوه‌ای که بعدها قاتلان بیان کردند، بلکه به سبب منش آزادی خواهانه و نقش روشنگرانه‌شان در گشودن زبان نقد و حق‌طلبی کشته شدند. یاران ما و همه‌ی کسانی که در این سرزمین آماج تیر و طناب دژخیمان قرار گرفتند قربانی نفرت کور سلسله‌ی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی استبداد شدند. شک نیست که زورگویان بهره‌مند بقای خود را در جامعه‌ای فرمانبردار، ناآگاه و تسلیم‌شده میسر می‌بینند. اما عاشقان آزادی برای ایفای وظیفه‌ی انسانی، آگاهی‌بخشی همگانی، مبارزه با سانسور و خفقان، گسترش آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا و دفاع از تشکل قدم در راه نهاده بودند. یاران ما، مصلحت-اندیش، عافیت‌طلب و دنباله‌رو قدرت نبودند بلکه با تمام وجود به حقوق انسانی مردم و دفاع از آزادی می‌اندیشیدند.

فریاد اعتراض مردم در آذر ۱۳۷۷ گرچه به واکنش‌های محدود و به راه افتادن مهار شده و ظاهر فریبانه‌ی دستگاه قضا و قانون انجامید، اما حاکمیت هیچ کوششی برای شناسایی ریشه‌های واقعی این جنایت‌های سابقه‌دار و پر شمار و معرفی آمران اصلی به کار نبرد. با این همه، آگاهی‌های

در پانزدهمین سالگرد قتل رهروان دلیر آزادی، یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده گرامی باد!

یاران! همراهان! مردم آزادی‌خواه! ارزش بارها پاسخ‌گویی و روشنگری را دارد که چرا محمدجعفر پوینده و محمد مختاری، دو عضو مؤثر کانون نویسندگان ایران را در اقدامی سازمان‌یافته کشتند. پاسخ روشن است: خفه کردن صدای آزادی خواهانی که می‌کوشیدند با گسترش آزادی بیان بستری فراهم آورند که همگان، و از آن میان مخالفان خودکامگی، خفقان، فساد و بهره‌کشی، بتوانند خواسته‌های خود را فریاد بزنند و برای تحقق آن‌ها مبارزه کنند.

با برملا شدن قتل جنایت‌کارانه‌ی دو نویسنده‌ی آزادی خواه و عضو کانون نویسندگان ایران فریاد بلند دادخواهی بر ضد این تاریک‌اندیشی مرگ‌بار، به ویژه در میان روشنفکران آزادی خواه و متعهد، بالا گرفت. البته کمی پیش از آن، داریوش فروهر و پروانه اسکندری سنگ‌دلانه کارداجین شده بودند. اما روشن است که قتل‌های سیاسی زنجره‌ای تنها محدود به این چهار تن نبود. آمران و عاملان قتل‌ها برای حذف فیزیکی مخالفان و منتقدان مورد نظر خود کاملاً با برنامه و سازماندهی شده عمل می‌کردند. سررشته‌ی این قتل‌ها به سال ۱۳۵۸ می‌رسد. بسیاریانی که می‌توانستند در آگاهی‌بخشی به مردم و اثرگذاری بر تحولات فرهنگی و اجتماعی سهمی داشته باشند در شهرهای مختلف به دست جوخه‌های مرگ از پا درآمدند، قتل‌هایی

**حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که می‌خواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!**

**حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی‌خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!**

**این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره‌کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!**

**به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!**

## پرونده ای که بسته نشد!

مینا احدی



در این مورد نوشتند و کارکردند، یک موضوع مهم این بود که فیلمی در مورد شهلا درست شد که در فستیوالهای بین المللی نمایش داده شد و از جمله در هلند و سپس رسانه های بین المللی زیادی این فیلم را پخش کردند. شهلا یک چهره جهانی شد، دادگاههای او نه فقط در ایران با علاقه و کنجکاوی فراوانی روبرو میشد، بلکه در سطح بین المللی نیز او را شناختند و سرنوشتش را تعقیب کردند.

ویدئو کلیپ کوتاهی از آخرین کلام شهلا جاهد که توسط فرشاد حسینی تهیه شد و تا کنون نزدیک به ۷ میلیون نفر آنرا دیده اند، یک نمونه از علاقه افکار عمومی در مورد شهلا جاهد است.

<http://www.youtube.com/watch?v=y72T8k9Iwec>  
او بارها از زندان بمن زنگ میزد و باهم حرف میزدیم، شهلا بمن میگفت اگر آزاد شدم میام همکار تو در مبارزه علیه اعدام میشوم. او بارها برایم آواز ترکی خواند و بارها فقط به این دلیل زنگ میزد که دلتنگ بود و میخواست باهم درد دل کنیم. سه سال قبل در اطاق کارم، تلفنم زنگ زد و شهلا از من خداحافظی کرد. او میگفت، مینا تو هر چه در توان داشتی کردی اما باید بگویم امروز آخرین روز است و من گریه میکردم و او مرا دلداری میداد ...

سه سال قبل از ساعت ۱۲ شب به وقت آلمان خانواده اش را همراهی کردم، ملاقات آخر با شهلا چند ساعت قبل انجام گرفته بود و نیمه های شب روانه زندان اوین شدند، من در کنار آنها صداها را می شنیدم و صدای ضجه و التماسهای مادرش را می شنیدم. من شنیدم که گفتند یک ماشین آمد



شهلا جاهد در سه سالگی

محکوم به اعدام را جمع کرده بود و ما با تلفن در مورد وضع آنها و چگونگی نجات پیدا کردن آنها از اعدام حرف میزدیم. چهار نفر از آن زنان نجات یافتند و خبر آزادی نازنین فاتحی را چند دقیقه قبل از آزاد شدن او از زندان شهلا با هیجان و خوشحالی، تلفنی بمن گفت، او از این موضوع بسیار خوشحال بود.

شهلا جاهد، در دادگاههای کذایی جمهوری اسلامی با شجاعت، علیه این سیستم حرف زد و از اینکه زیر فشار و شکنجه های وحشتناک مجبور به اعتراف شده است.

پرونده قتل لاله سحرخیزان بنا بر نظر وکلای پرونده، هیچگاه درست بررسی نشد. رژیم اسلامی با اعلام اینکه یک زن دیگر یعنی شهلا قاتل لاله سحرخیزان بود، پرونده را سرهم بندی کرد و در نهایت شهلا را کشت.

علیه حکم اعدام شهلا جاهد، کمیته بین المللی علیه اعدام کمپین وسیعی راه انداخت. در سراسر جهان عکس و اسم و سرگذشت او را مطرح کردیم. در تلویزیون کانال جدید چند برنامه مستقیم در مورد شهلا جاهد و علیه حکم اعدام او داشتیم که با استقبال کم نظیری روبرو میشد. دیگران هم

سه ساله بود، چنین نگاه کنجکاوی داشت، آنزمان نمیدانست که در دوران جوانی اسیر حکومتی و نظامی خواهد شد که به راحتی آب خوردن جنایت میکند و آدم میکشد. او نمیدانست که جلادان اسلامی بویژه زنان سنت شکن را با بهانه های مختلف پای چوبه دار میبرند، او را در سرگاه خونین اول دسامبر ۲۰۱۰ کشتند.

او را به اتهام قتل لاله سحرخیزان همسر محمد خانی فوتبالیست معروف دستگیر کرده و به اعدام محکوم کردند. این پرونده با ابهامات زیادی همراه بود، وکیل شهلا، خرمشاهی بارها میگفت که این پرونده ابهامات فراوانی دارد.

فردا اول دسامبر سومین سالروز اعدام شهلا جاهد است. زن جوان و مستقل و متکی به نفسی که هر جا که بود تاثیر میگذاشت حتی در زندان، برای زنان و محکومین به اعدام جلسه میگذاشت، در دانشگاه اسم نویسی کرده و از راه دور روانشناسی میخواند، به دیگران روحیه میداد و بارها در مکالماتی که با هم داشتیم از وضع زنان محکوم به اعدام با من حرف میزد. یکبار جلسه ای را سازمان داد و تعداد زیادی از زنان

نظام نکبت اسلامی و سیستم قضایی که با شکنجه و تهدید به تجاوز و کتک زدن اقرار گرفت و سپس کشت، باید بعد از سرنوشتی این حکومت خون و جنایت اسلامی کار کرد. من به شهلا قول داده ام، در مورد زندگیش فیلمی درست بشود، فیلمی از طرف فیلمسازان سرشناس بین المللی، امیدوارم روزی این قول عملی شود تا در دنیا میلیونها نفر آن فیلم را دیده و بشریت به حال مردم ایران در دوره سپاه فاشیسم اسلامی گریه کند.\*

۱ دسامبر ۲۰۱۳



## صدای انسانیت از درون زندانها

از بیانیه رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی وسیعاً حمایت کنیم  
شاهرخ زمانی، محمد جراحی و خالد حردانی از زندان گوهردشت به این بیانیه پیوستند



### اطلاعیه شماره: ۱۲۲

جنبش علیه اعدام قویتر از هر وقت به میدان آمده است. طومارهای اعتراضی از درون جامعه و از زندان علیه اعدامها منتشر میشود. در همین راستا نامه اعتراضی رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده دو نفر از رهبران شناخته شده کارگری که در زندان بسر میبرند، در این هفته علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی و پیوستن شاهرخ زمانی، محمد جراحی و خالد حردانی از زندان گوهردشت به این بیانیه صدای اعتراض این جنبش از زندان است. قبلاً نیز از سوی تشکلهای کارگری و نیز از سوی رهبران کارگری از زندان و در بیرون از زندان ما شاهد انتشار چنین بیانیههایی علیه اعدامها بوده ایم.

این درحالیست که بنا به گزارشات هم اکنون بیش از ۱۸۰۰ زندانی در زندان قزل حصار با اعتصاب غذای خود علیه اعدامها به اعتراض برخاسته اند و هر روز شاهد تجمعات اعتراضی خانوادههای کسانی هستیم که عزیزانشان در خطر اعدام قرار دارند. همچنین در همین مدت شهرهای کردستان از جمله مریوان و سنندج، نوسود، سقز، بانه مراکز مهم از اعتراض علیه اعدام بوده است. در تهران نیز در همین مدت جوانان و مردم معترض با ابتکارات جالبی چون

برپایی تاتر و کنسرت موزیک و تاترهای خیابانی، علیه اعدامها بپا خاسته و انسانیت را فریاد زدند. همچنین هنرمندان با فیلمهایشان وارد این عرصه از نبرد شده اند. یک نمونه اش اجرای دو برنامه گلریزان در سه ماه قبل با هدف کمک به نجات جان دو زن جوان محکوم به اعدام است. اینها همه سخن از جامعه ای دارد که در اشکال مدرنی دارد به اعتراضاتش شکل میدهد و در برابر رژیم اسلامی و جنایاتش قد علم میکند. این حرکت جامعه ای است که افق روشن و انسانی و امید بخشی را روبروی خویش قرار داده است.

در چنین جنب و جوشی از اعتراض علیه اعدام است که رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده از زندان نامه میدهند و از زندان گوهردشت نیز شاهرخ زمانی و محمد جراحی از رهبران شناخته شده کارگری و خالد حردانی زندانی سیاسی در بند با آنها هم صدا میشوند و صدای اعتراض خود را علیه اعدامها بلند میکنند. در چنین جنب و جوشی از اعتراض علیه اعدام است که این چهره های شناخته شده کارگری و زندانیان سیاسی از زندان خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از زندان میشوند.

اقدام رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده و پیوستن شاهرخ زمانی، محمد جراحی و خالد حردانی به این حرکت یک الگو است که میتواند در همه جای این جامعه بکار گرفته شود. انتظار می رود از دیگر زندانها و دیگر رهبران و فعالین کارگری وسیعاً به این حرکت بپیوندند. میتوان در همه محیط های کارگری طومارهای اعتراضی علیه اعدام به راه انداخت و وسیعاً به این حرکت و به موج

گسترده علیه اعدامها پیوست. اعتراضات کارگری گسترده است، میتوان کاری کرد که یک موضوع مهم اعتراضات در همه مراکز کارگری اعتراض علیه اعدامها و اعلام خواست آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از زندان باشد. کارگران میتوانند در هر کجا که جمعی دارند و اعتراضی برپا کرده اند، خواست لغو مجازات اعدام و آزادی فوری کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی را در صدر خواستهایشان قرار دهند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۱۴ آذر ۹۲، ۵ دسامبر ۲۰۱۳

Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
Bahram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com

### متن نامه رضا شهابی و

بهنام ابراهیم زاده را در زیر میخوانید:

### اعدامها را متوقف و زندانیان سیاسی را فوراً آزاد کنید

مردم شریف ایران، مردم انساندوست دنیا!

همانطور که میدانید در حال حاضر دهها فعال کارگری و تعداد زیادی از زندانیان سیاسی و عقیدتی با اتهاماتی واهی و به جرم مبارزه برای حق و حقوق خود در زندانند. جرم اینها این است که احقاق حقوق خود متشکل کنند، و علیه بیعدالتیها و بیحقوقیها ابراز مخالفت کرده اند. این درحالی است که دولت آقای روحانی با آزاد کردن شماری از زندانیان که اکثراً هم "خودی" بوده اند ژست "اعتدال"

به خود گرفته است. ما زندانیان محکوم در بند ۳۵۰ زندان اوین ضمن اعلام خوشحالی از آزادی کسانی که در همین مدت از زندان آزاد شده اند، اعلام میکنیم اولاً غوغا بر سر آزادی زندانیان سیاسی و وعده های پیشاانتخاباتی یک هیاهو بیشتر نبوده و آزادی همین تعداد نیز بخاطر اعتراضات داخلی و یا جهانی صورت گرفته است.

ما زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین، اعلام میکنیم که نه تنها خبری از آزادی دهها کارگر زندانی و شمار بسیاری از زندانیان سیاسی و عقیدتی نیست، بلکه فشار بر روی آنها شدت یافته و اعدامها نیز چندین برابر شده است. توهین و بدرفتاری با زندانیان به حد اعلائی خود رسیده و بی توجهی به معالجه و دوا و درمان زندانیان بیمار بیداد میکند.

ما مجرم نیستیم و جنایتی نکرده ایم که باید مورد اینهمه اذیت و آزار و توهین قرار گیریم و به سالها زندان محکوم شویم. سوال ما این است که آیا ارگانهای حکومتی میتوانند به جامعه اعلام کنند که جرم ما چه بوده است؟ آیا صدا و سیمائی که هزینه هایش از طریق استثمار کارگران و مالیات از مردم تامین میشود این جسارت را دارد که مناظره ای با ما ترتیب بدهد تا مردم هم از جرائم ما مطلع شوند؟ آیا آقای روحانی و سیستم قضائی کشور حاضرند با ملاقات یک هیئت بین المللی از زندان اوین موافقت کنند؟

ما کیفرخواست سنگینی علیه کسانی داریم که آزادی را از ما گرفته اند و ما را از بودن در کنار عزیزانمان محروم کرده اند. اولین خواست ما آزادی فوری و بدون هیچ قید و شرطی از زندان است. خواست اضطراری ما نیز این است

که تمامی زندانیان سیاسی که نیاز به درمان و معالجه دارند، با استاندارد قابل قبولی تحت درمان و معالجه قرار گیرند و بیمارانی که احتیاج به معالجه در بیرون زندان دارند به آنها مرخصی لازم داده بشود. ما میخواهیم که به تحقیر و بدرفتاری های روزمره زندانیان با زندانیان فوراً و برای همیشه پایان داده شود و امکانات ملاقات با بستگان و وکلای زندانی در فضائی توأم با احترام فراهم شود. ما خواهان اعزام هیئت های بین المللی برای بازدید از زندان اوین و کلیه زندانهای کشور اعم از سیاسی یا غیر سیاسی هستیم. ما مخالف مجازات اعدام هستیم. ما مخالف مجازات اعدام هستیم. و آخرین تاکید ما توقف فوری اعدامهاست. ما از مردم شریف ایران و مردم انساندوست در سراسر جهان میخواهیم که فعالانه از خواست های ما حمایت کنند و همه جا صدای ما باشند.

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه- بند ۳۵۰ زندان اوین

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و دفاع از حقوق کودک، عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، زندان اوین بند ۳۵۰

برگرفته از پایگاه خبری بهنام ابراهیم زاده

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۰ آبان ۹۲، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳

Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
Bahram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود